

شنبه اول آذر ۱۴۰۰ | اول جمادی‌الثانی ۱۴۴۷

گزارش یک زهرا چیدری

امریکا دیگر سرزمین جذابی برای زندگی و پژوهش نیست. ۷۵درصد از مغزهای امریکایی به فکر فرار از این کشور هستند؛ این را نتایج نظرسنجی نشریه نیچر نشان می‌دهد. نشریه Nature در گزارشی تازه از آغاز موج جدیدی از خروج پژوهشگران از ایالات متحده خبر داده‌است. بر اساس یک نظرسنجی این نشریه، حدود ۷۵درصد از محققان امریکایی در حال بررسی مهاجرت به کشورهای مانند کانادا و اعضای اتحادیه اروپا هستند. این روند پس از بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید شدت گرفته‌است. تمایل به ترک امریکا در میان پژوهشگران جوان، به‌ویژه دانشجویان تحصیلات تکمیلی، بیشتر دیده می‌شود. بیش از هزارو ۲۰۰ دانشمند (سه چهارم شرکت‌کنندگان) گفته‌اند به دنبال تغییرات و آشفتگی‌هایی که در دوران ریاست‌جمهوری ترامپ به وجود آمده، به فکر ترک امریکا افتاده‌اند. تمایل به ترک امریکا در میان پژوهشگران جوان، به‌ویژه دانشجویان تحصیلات تکمیلی، بیشتر دیده می‌شود. از میان ۶۹۰ پژوهشگر دوره تحصیلات تکمیلی که به نظرسنجی پاسخ دادند، ۵۴۸ نفر قصد مهاجرت داشتند. همچنین، از بین ۳۴۰ دانشجوی دکتری، ۲۵۵ نفر به فکر ترک امریکا بودند. این تمایل به مهاجرت فقط در بین محققان نیست و ۴۰درصد از زنان امریکایی هم تمایل دارند این کشور را ترک کنند؛ رقمی که از سال ۲۰۱۴، ۱۰برابر شده‌است. علاوه بر این، حدود یک پنجم امریکایی‌ها گفته‌اند که در صورت داشتن فرصت، کشور را ترک خواهند کرد!

«فرار مغزها» کلید واژه‌ای بود که سال‌های سال از سوی رسانه‌های خارجی و جریان خاصی از رسانه‌های داخلی مطرح می‌شد و این جریان‌سازی هنوز هم ادامه دارد، اما حالا شاید باید مفهوم‌سازی تازه از مهاجرت نخبگان و مقصد این مهاجرت شکل بگیرد، چراکه طبق یک نظرسنجی مهاجرت نخبگان این بار نه به مقصد امریکا بلکه از مبدأ امریکا در حال شکل‌گیری است. این مهاجرت ذهن سه چهارم از نخبگان امریکایی را با خود درگیر کرده و شاید بتوان از آن به یک کوچ علمی در امریکای ترامپ تعبیر کرد؛ این اساس در شرایطی که در نگاه بسیاری از ساکنان مشرق زمین امریکا به سرزمین آرزوها تبدیل شده و برخی از دانشمندان و مغزها از کشورهایی مانند ایران و سایر کشورهای شرقی به دنبال زندگی بهتر و فضای بیشتر برای تحقیق و پژوهش به دنبال مهاجرت به کشوری مانند امریکا هستند، بسیاری از دانشمندان و پژوهشگران امریکایی به دنبال فرصت هستند تا از امریکای ترامپ مهاجرت کنند!

گزارش ۲ میساکربندی

جامعه‌ سرویس اجتماعی ۸۸۵۲۳۰۶۰۹

فرار مغزهای امریکایی از امریکای ترامپ

نشریه Nature : سه چهارم دانشمندان، ۴۰ درصد زنان و یک پنجم از تمام جمعیت امریکا مترصد فرصتی برای مهاجرت از این کشور هستند



بشت پرده تمایل سه چهارم مغزهای امریکایی به مهاجرت

تغییرات گسترده‌ای که در پی روی کار آمدن دولت جدید دونالد ترامپ در پژوهش‌های علمی امریکا رخ داده‌است، موجب‌شده بسیاری از دانشمندان این کشور در مورد زندگی و مسیر شغلی خود تجدیدنظر کنند. دولت ترامپ بودجه تحقیقات علمی را به شدت کاهش داده و بسیاری از پروژه‌های علمی را که با بودجه دولت فدرال تأمین می‌شدند، متوقف کرده‌است. این اقدامات بخشی از برنامه کلی کاهش هزینه‌های دولتی بوده که توسط ایلان ماسک، میلیاردر مشهور، هدایت شده‌است. برخی از این کاهش‌ها شامل مؤسسات ملی بهداشت (NIH) بوده‌است، جایی که تمامی بودجه‌های مربوط به مسائل ژنادی لغو شده‌اند، از جمله مطالعات مربوط به سلامت مادران آفریقایی‌تبار و ویروس HIV، همچنین، NIH تنها ۱۵ درصد تعیین شده‌است. کاهش‌های مهمی در زمینه‌های علمی مانند فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی، مهندسی و سایر رشته‌ها دیده می‌شود. این اقدامات باعث شده که بسیاری از محققان و دانشمندان امریکایی به فکر فرار از این کشور باشند. برخی از محققان و دانشمندان امریکایی به فکر فرار از این کشور هستند، زیرا به دلیل کاهش بودجه‌های تحقیقاتی، فرصت‌های شغلی محدودتر شده و امکان ادامه تحصیل و پژوهش در این کشور کاهش یافته است. علاوه بر این، ترامپ با تغییرات در سیاست‌های مالی و مالیاتی، بسیاری از محققان و دانشمندان را به فکر فرار از این کشور وادار کرده است. این اقدامات باعث شده که بسیاری از محققان و دانشمندان امریکایی به فکر فرار از این کشور باشند و به دنبال فرصت‌های شغلی و پژوهشی در سایر کشورها باشند.

مؤسسات متوقف کنند، که این اقدام به دنبال یک حکم قضایی فدرالی صورت گرفت. کاتلین سسیلبیوس، وزیر سابق بهداشت و خدمات انسانی امریکا، از کاهش‌های اخیر در کمک‌های مالی NIH ابراز نگرانی کرده‌است. وی گفت: «من در چندین سطح نگران هستم. کاهش‌هایی که اخیراً اعلام شده‌اند، ویرانگر هستند و منجر به کاهش علم و تحقیقات خواهند شد.» این کاهش‌ها همچنین بر اداره ملی آقیانوسی و جوی (NOAA) تأثیر گذاشته‌است، که به دلیل این کاهش‌ها تعدادی از کارکنان خود را اخراج کرده‌است. دهها هزار نفر از کارمندان فدرال، از جمله بسیاری از دانشمندان، طبق دستور دادگاه اخراج و دوباره استخدام شده‌اند. همچنین، محدودیت‌های مهاجرتی و مشکلات مربوط به آزادی‌های علمی باعث سردرگمی و نگرانی پژوهشگران شده‌است. این عوامل به اشتفگی و شرایط نامطمئن در تمام بخش‌های تحقیقاتی امریکا منجر شده‌است.

مجله نیچر از خوانندگان خود پرسیده‌است که آیا تغییرات ایجادشده در امریکا باعث‌شده به ترک این کشور فکر کنند یا نه. نظرسنجی اوایل ماه مارس از

روزنامه جوان | شماره ۲۵۴۷

امریکا رفتار بی‌سابقه خصمانه‌ای نسبت به دانشمندان داشته، به ویژه در موضوعاتی که نظر دولت متفاوت است و در دسته تنوع و شمول قرار دارد. نسبت بالای پژوهشگران امریکایی که قصد مهاجرت دارند، داده‌های نظرسنجی نیچر در ماه مارس را تأیید می‌کند که نشان داد ۷۵درصد از هزارو ۶۰۰ دانشمند امریکایی پس از انتخاب رئیس‌جمهور دونالد ترامپ به فکر مهاجرت به خارج بودند و بسیاری به دنبال فرصت‌های شغلی در اروپا و کانادا بودند. در این نظرسنجی، بزرگ‌ترین انگیزه‌های افراد برای مهاجرت شامل تعادل بهتر بین کار و زندگی، بودجه بیشتر و آزادی بیشتر برای پیگیری علایق پژوهشی ذکر شده‌است. کانادا، آلمان و ایالات‌متحده به عنوان برترین انتخاب‌ها در سطح جهانی معرفی شده‌اند.

تمایل به مهاجرت در نیمی از زنان و یک پنجم جمعیت

تمایل به مهاجرت از امریکا فقط مختص دانشمندان و نخبگان این کشور نیست؛ نتایج نظرسنجی جدید مؤسسه گالوپ نشان می‌دهد شمار زنان جوان امریکایی که تمایل به ترک ایالات‌متحده دارند به بالاترین حد خود رسیده‌است. بر اساس این نظرسنجی، ۴۰ درصد از زنان ۱۵ تا ۴۴ساله گفته‌اند که در صورت امکان، به صورت دائمی از امریکا مهاجرت خواهند کرد؛ رقمی که چهار برابر میزان ۱۰ درصدی گزارش‌شده در سال ۲۰۱۴ است. گالوپ تأکید می‌کند که ابراز تمایل به مهاجرت لزوماً به معنای اقدام واقعی برای ترک کشور نیست، اما این افزایش چشمگیر نشان‌دهنده تغییرات قابل توجه در نگرش نسل جوان، به‌ویژه زنان، است. طبق یافته‌ها، محبوب‌ترین مقصد برای این گروه کانادا اعلام شده‌است.

این نظرسنجی که بین ۱۴ ژوئن تا ۱۶ ژوئیه انجام‌شده، یکی از آنها گفته بود: «هر جایی که از علم حمایت کند.» برخی از کسانی نیز که برای کار به ایالات‌متحده آمده‌بودند، تصمیم داشتند به کشور خود بازگردند. ■ تأیید نظرسنجی نیچر با یک پژوهش دیگر شرکت Elsevierافرادى از ۱۱۲ کشور بین ماه‌های آگوست تا سپتامبر مورد بررسی قرار داده تا دیدگاه پژوهشگران نسبت به چشم‌انداز در حال تغییر تحقیقات را ارزیابی کند. بر اساس این نظرسنجی هم حدود ۴۰ درصد از پژوهشگران ایالات‌متحده احتمالاً مهاجرت را در نظر دارند که این نشان از افزایش ۱۶ درصدی نسبت به نظرسنجی مشابه در ۲۰۲۲ دارد، در حالی که تنها ۱۲ درصد از پژوهشگران چین چنین قصدی دارند که نشان از کاهش ۲۲ درصدی نسبت به سال ۲۰۲۲ دارد. چین شرایط را برای ماندن دانشمندان چینی جذاب‌تر کرده، در حالی که دولت

۱۴ روز آموزش در تابستان، تابع هستیم.» این اظهارات نشان می‌دهد که وزارت آموزش و پرورش مخالفت مطلقی با طرح تعطیلات زمستانی ندارد، اما بر حفظ تعداد ساعات آموزشی و رعایت چارچوب‌های تقویم رسمی همواره تأکید می‌کند. ■ فرصتی برای آلودگی و آلودگی برای ادارات حامیان طرح تعطیلات زمستانی مدارس یک نکته اساسی را یادآوری می‌کنند، اینکه اگر بنا به تعطیلی در پاییز و زمستان باشد، باید زمان از دست‌رفته در دوره‌ای دیگر جبران شود. به همین دلیل، پیشنهاد وزارت آموزش و پرورش برای انتقال دو هفته تعطیلی به نیمه دوم آذر یا دی همراه با افزودن همان ۱۴ روز به تابستان، نه به معنی کوتاه‌شدن سال تحصیلی است و نه کاهش کیفیت آموزش، بلکه یک مدل بازچینش واقع‌بینانه است که سلامت دانش‌آموزان را در روزهای آلوده حفظ و پیوستگی آموزشی را تضمین می‌کند. مرکز پژوهش‌های مجلس نیز در پیش‌نویس خود بر انعطاف در تقویم آموزشی تأکید کرده‌است. این مدل، اختیار برنامه‌ریزی تقویم را به شوراهای آموزش و پرورش استانی می‌دهد تا تعطیلات پیش‌بینی نشده، از جمله تعطیلی به خاطر آلودگی یا شرایط جوی سخت را مدیریت کنند. هدف، جبران زمان‌های از دست‌رفته بدون ایجاد تعطیلی طولانی‌مدت و حفظ چارچوب ملی آموزش است. جالب‌انجاست که این‌الگو، فراتر از مدارس، می‌تواند برای ادارات نیز الهام‌بخش باشد. همان‌طور که بحران آلودگی هوا با شرایط جوی تکرارپذیر است، می‌توان ساعات کاری را در روزهای بحرانی کاهش داد و با افزودن ساعات کار در ماه‌های بعدی، فشار بر کارکنان آموزش و پرورش را کاهش داد، بدون اینکه عملکرد کل سیستم مختل شود. پرواضح است که جابه‌جایی زمانی تعطیلات می‌تواند نقطه‌شروعی برای بازطراحی واقع‌بینانه تقویم مدارس باشد؛ جابه‌جایی تعطیلات تابستانی و اختصاص دو هفته تعطیلی به نیمه دوم آذر می‌تواند: «این‌طور مسائل تصمیمات کلی کشوری است، ولی اگر اتفاق بیفتد، با شرط اضافه کردن زمان آموزش، یعنی اضافه شدن تبدیل نخواهد کرد.

انتشار تقریظ رهبر معظم انقلاب بر سه کتاب! انتشار خبر تقریظ‌های رهبری بر کتب مختلف، خبری است که از سال ۱۳۹۰ دائماً در موائد مختلف دوباره به موضوع مغفول کتابخوانی می‌بخشد. در عصری که تاخت رسانه‌های شتابزده اجتماعی و فضای مجازی مجالی برای تأمل و تعمق باقی نمی‌گذارد، انتشار تقریظ‌های اخیر حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای بر سه کتاب، بار دیگر نگاه‌ها را به مسئله کتاب معطوف می‌کند؛ امری که ریشه در باور ژرف ایشان به کتاب، به اندیشه و به قدر و مرتبت کلمه دارد. این سنت فرهنگی که سال‌هاست در قامت تقریظ‌های ایشان جان تازه‌ای گرفته، نه صرفاً تحسینی تشریفاتی بر حاشیه جلد، بلکه نوعی «رهنمود فرهنگی» است که به صورت ملموس و واقعی بر فرهنگ کتابخوانی جامعه تأثیر می‌گذارد و مسیر توجه عمومی را به سوی کتاب و خواندن هدایت می‌کند.

رهبری انقلاب، برخلاف بسیاری از سیاستمداران جهان که کتاب را بیشتر ابزاری تشریفاتی می‌دانند، خود از کودکی و نوجوانی با جهان‌واژه زیسته‌اند و هنوز نیز کتابخوانی را ایشان عادت‌نی روزانه و ضروری است. ایشان گاه در یک روز چندین ساعت از صرف مطالعه متون تاریخی، رمان‌های داخلی و خارجی، خاطرات سیاستمداران، پژوهش‌های علوم انسانی و آثار راهبردی می‌کنند؛ و همین «کتابخوان حرفه‌ای بودن» است که به تقریظ‌های ایشان عمق و هویت و اعتباری مضاعف می‌بخشد، زیرا هر تقریظ از دل خوانشی دقیق، حوصله‌مند و ژرف می‌آید؛ خوانشی که به عنوان یک عمل فرهنگی آگاهانه، در تراز و اعتبار کتاب اثر گذار است. جالب آنکه یکی از تقریظ‌های اخیر انتشار ایشان بر کتاب، بر آذرماه ۱۴۰۱ و دقیقاً در بحبوحه هجمه و جنگ ترکیبی و همه‌جانبه دشمن در به آشوب کشیدن فضای داخلی کشور و هدف قرار دادن انقلاب، نگارش یافته‌است؛ مسئله‌ای که اهتمام رهبری به عادت تر کنایذبزیر کتابخوانی را بیشتر مورد توجه قرار می‌دهد.

سال‌های اخیر نشان داده که این تقریظ‌ها تنها یک ستایش ادبی نیست، بلکه یک سیاست فرهنگی است. تجربه بازار نشر به خوبی گواهی می‌دهد که هر کتابی که منتظر تقریظ رهبری نیست؛ با موفق به دریافت آن شده، ناگهان از محدوده خوانندگان خاص بیرون می‌آید و در میان عموم مردم مطرح می‌شود. شمارگان کتاب بالا می‌رود، نسل جوان به سمت آن می‌رود، گفت‌وگوی عمومی حول موضوع شکل می‌گیرد و گاه حتی روایت‌های تازه‌تری از دل همان کتاب‌ها پدید می‌آید. این یعنی تقریظ‌ها نوعی «سیاست‌گذاری نرم» در ساحت فرهنگ‌دراهمی برای هدایت ذائقه مطالعاتی جامعه به سوی متونی که حامل هویت، تجربه و حافظه تاریخی‌اند.

نکته مهم و کمتر گفته‌شده آن است که بیش از دو سوم تقریظ‌های منتشرشده، بر کتاب‌های نویسندگان زن نوشته شده‌است؛ مسئله‌ای که خود حکایت از توجه رهبری به نقش زنان در روایتگری تاریخ، ادبیات مقاومت، خاطره‌نویسی و مستندسازی اجتماعی دارد. بسیاری از مشهورترین کتاب‌هایی که در سال‌های اخیر در فضای عمومی پدید آمده و به عرصه گفت‌وگوی ملی تبدیل شده‌اند، از خاطرات همسران دانش‌تا روایت‌های زنان از جنگ و تبعید و رنج، و بخصوص تقریظ‌های منتشره اخیر، با تقریظ ایشان جان بیشتری گرفتند و در نگاه جامعه به «صدای زنانه تاریخ» اعتماد و توجه افزونی ایجاد کردند. این رفتار فرهنگی، علاوه بر تکریم نقش زنان را پوششده، در ساختن حافظه جمعی نیز نقشی بنیادین داشته و به نوعی بازتعریف سهم زنان در روایت رسمی و مردمی تاریخ ایران منجر شده‌است.

تقریظ‌نویسی رهبری، در چشم‌اندازی وسیع‌تر، تلاشی است برای آنکه کتاب دوباره به متن زندگی انسان ایرانی بازگردد. این اقدام نه از راه بخشنامه و اجبار و اقدامات ظاهری، بلکه از طریق ایجاد جاذبه معرفتی صورت می‌گیرد؛ یعنی با انتخاب دقیق کتاب‌ها، با تأکید بر ارزش روایت، با برجسته کردن تجربه‌های انسانی و اخلاقی نهفته در هر کتاب. در این میان، یادآوری فراز بر معنای کلام امیرالمؤمنین علیه‌السلام که «للتَّائِبِ بِأَثَرِهِمْ أَشْئَةٌ مِنْ آبَائِهِمْ» مفید به نظر می‌رسد؛ آنجا که می‌فرماید مردم در سلوک و خلیقات و سبک‌زندگی، بیش از آنکه به پدران خویش شبیه باشند، به پیشوایان و صاحبان امر شبیه می‌شوند. اهتمام رهبر انقلاب به کتابخوانی و قرار گرفتن مطالعه در برنامه روزانه، انس عالمانه و دائمی با مطالعه و این سنت پسندیده تقریظ‌نویسی بر آثار فکری و روایی، چیزی فراتر از یک توصیه فرهنگی است. این رفتار، خود «الگوسازی در مقام عمل» است؛ دعوتی عملی به کتاب و قلم، که اثرش در جان جامعه بسی ماندگارتر از هر دستور و شعار می‌نشیند.

گزیده

کارت امیدمادر تا ۲سالگی نوزاد ماهانه ۲۰میلیون ریال شارژ می‌شود

دبیر ستادملی جمعیت با تشریح جزئیات اجرای طرح «کارت امیدمادر» و فشرایط و نحوه دریافت آن گفت:این کارت به نام مادر صادر شده و تا دو سالگی نوزاد، یعنی تا ۲۴ماه پس از تولد به شکل ماهانه شارژ می‌شود، مبلغی هم که ماهانه در این کارت واریز می‌شود، ۲۰ میلیون ریال است. مرضیه وحیدستدرجی، دبیر ستاد ملی جمعیت درباره اینکه اجرای طرح «کارت امید» از چه زمانی آغاز می‌شود، اظهار کرد: کارت امید مادر از ابتدای سال ۱۴۰۵ صادر خواهد شد. البته مراسم رونمایی از آن روز شنبه با حضور رئیس‌جمهور انجام شد، اما تمامی نوزادانی که از تاریخ اول فروردین ۱۴۰۵ و پس از آن متولد شده‌اند باشند، شمول از دریافت این کارت می‌شوند. دستجردی درباره اینکه کارت امید مادر به چه افراد یا دهک‌های اقتصادی تعلق می‌گیرد، نیز گفت: این کارت برای تمام مادران صادر می‌شود و در اعطای آن دهک‌بندی مدنظر نیست. وی گفت: این کارت فقط و فقط به نام مادر صادر می‌شود، حتی به نام پدر نیز صادر نخواهد شد، مگر در موارد استثنا که خدای نکرده طلاقی ثبت شده‌باشد یا مادر فوت کند که در این صورت کارت به نام سرپرست قانونی کودک صادر شده یا به نام وی تغییر خواهد کرد. دستجردی همچنین درباره نحوه هزینه‌کرد اعتبار داخل این کارت نیز تصریح کرد: به منظور جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده احتمالی از این کارت تمهیداتی در نظر گرفته شده‌است، اول اینکه همانطور که گفتیم این کارت به نام مادر صادر می‌شود؛ طبیعتاً یک مادر بیشتر از هر فرد دیگری در جریان اقامت و مواد مورد نیاز برای رشد فرزند خود قرار دارد. دوم اینکه امکان خرید هر محصولی با این کارت وجود ندارد و همانطور که در طرح کالابزگ الکترونیک پیش‌بینی شده، با این کارت اقلام مورد نیاز نوزادان نظیر غذا و پوشاک خریداری خواهد شد. دستجردی گفت: این اعتبار در کارت ذخیره می‌شود و اینطور نیست که اگر در همان ماه مورد استفاده قرار نگیرد، دیگر قابل استفاده نباشد. وی همچنین درباره نحوه صدور این کارت نیز اظهار کرد: هماهنگی‌هایی از سوی دبیرخانه ستادملی جمعیت با وزارت بهداشت، ثبت احوال و وزارت رفاه انجام شده‌است. بر این اساس، همزمان با ثبت هویت اولاد و طی مراحل صدور شناسنامه این کارت از سوی بانک عامل صادر می‌شود و در اختیار مادر قرار می‌گیرد، حتی این امکان را نیز فراهم کردیم که کارت در صورت نیاز از طریق پست به درب منازل ارسال شود.

آذر و دی در تقویم کلاتشهرهای کشور، معنایی فراتر از آغاز زمستان دارند. این دو ماه، فصل انباشته‌شدن مشکلاتی هستند که سال‌هاست تکرار می‌شوند، اما هر بار سرنسنگین‌تر ظاهر می‌شوند؛ آلودگی‌های ماندگار که شاخص‌های آن، هفته‌ها در مرز هشدار می‌ایستد و خشکسالی مزمن که حتی در سردترین روزهای سال هم پنهان نمی‌ماند. این وضعیت نه تنها سلامت شهروندان، بلکه ریتم زندگی و آموزش را نیز به هم می‌ریزد. کلاس‌ها نیمه‌کاره بر گزار می‌شوند و دانش‌آموزان با سرفه و سردرد درس می‌خوانند. ■■■

دیگر آن روال معمول و همیشگی، باسختگی شرایط امروز نیست. هر بار که موج تازه‌ای از آلودگی از راه می‌رسد، این واقعیت را بر رخ می‌کشد که تقویم آموزشی کنونی برای شهری طراحی شده که وجود خارجی ندارد، شهری با زمستان‌های پر باران، هوای پاک و شرایط پایدار؛ شهری که با کلاتشهرهای امروز، فاصله بسیار زیادی دارند.

آذر و دی عملاً به فصلی برای معلق ماندن آموزش تبدیل شده‌اند، دوره‌ای که نه تعطیلی‌اش برنامه‌ریزی شده و نه آموزش در آن کیفیت لازم را دارد. معلمان می‌گویند درس خواندن در روزهای آلوده بیشتر ثبت حضور دانش‌آموزان است تا یادگیری. والدین هر صبح با تردید تصمیم می‌گیرند کودکشان را راهی مدرسه کنند یا در خانه نگه دارند و مسئولان هم، میان سلامت عمومی و حفظ برنامه درسی، ناچارند هر چند روز یک بار تصمیم‌های کوتاه‌مدت بگیرند! این چرخه فرسایشی، سؤالی را در میان افکار عمومی ایجاد کرده‌است، اینکه وقتی می‌توان پیش‌بینی کرد که بحران در کدامین روزها و کدام ماه شدت بیشتری دارد، چرا تدبیری اساسی برایش اندیشیده نمی‌شود؟ چرا اجازه می‌دهیم هر سال به بحران برسیم و ناگهان بی‌برنامه، آموزش را مختل می‌کنیم؟

شاید انتقال بخشی از تعطیلات تابستانی به روزهای اوج آلودگی هوا بتواند وضعیت را بهتر کند، یعنی به جای آنکه مدارس در گرم‌ترین و کم‌فشارترین

بازنگری در تقویم آموزش مدارس، الگویی برای تغییر ساعات کاری ادارات است

پیشنهاد خوب نفس دادن به مدارس در روزهای دودی

پیشنهاد وزارت آموزش و پرورش برای انتقال ۲ هفته تعطیلی به نیمه دوم آذر یا دی همراه با افزودن همان ۱۴ روز به تابستان، یک بازچینش واقع‌بینانه است

که سلامت دانش‌آموزان را در روزهای آلوده حفظ و پیوستگی آموزشی را هم تضمین می‌کند



بلکه فصل ثابت زندگی در کلاتشهرها شده‌است؛ شهری که هر سال در همین روزها نفسش تنگ می‌شود، طبیعتاً نمی‌تواند با تصمیم‌های لحظه‌ای و تعطیلی‌های ناگهانی اداره شود، بنابراین وقتی این بحران پیش‌بینی‌پذیر است، نباید با آن مثل یک اتفاق غافلگیرکننده برخورد کنیم.

تعطیلی آخرین راه است

در میان بحث‌ها درباره آلودگی هوا، بار دیگر، موضوع تغییر تقویم آموزشی و انتقال بخشی از تعطیلات به پاییز و بهار مطرح شده‌است. علی‌فراحدی، سخنگوی وزارت آموزش و پرورش که بر ضرورت حفظ پیوستگی آموزش تأکید دارد، در این رابطه می‌گوید: «سیاست و تلاش اصلی دولت آموزش و پرورش این است که فرایند آموزش دانش‌آموزان دچار وقفه نشود و تعطیلی مدارس به حداقل ممکن برسد.»

فرهادی با اشاره به اینکه هر تعطیلی حتی اگر ناگزیر باشد آثار خود را بر نظم آموزشی بر جای می‌گذارد، اظهار می‌دارد: «هر زمان که زمان آموزش از دست برود، نظم و پیوستگی برنامه‌های درسی در مقاطع مختلف به هم می‌ریزد و این مسئله بر کیفیت یادگیری